

## رهبر کینه توز و ملتی که لال نمی شود

از مجموعه یادداشت های نیویورکی مجید محمدی

majidmohammadi@hotmail.com

همه فعالان سیاسی ایرانی از کینه جویی و انتقام گیری خامنه ای مطلع هستند و آن را با گوشت و پوست خود در زندانها و قتلگاهها احساس کرده اند.

ظاهرا ایرانیان محکوم اند که همهء صور زشت حکومت در دوران مدرن، از استبداد سلطانیستی تا رهبری روبسیبری انقلاب، از حاکمیت دوگانه تا دیکتاتوری مذهبی، از گروه سالاری تا ربانی سالاری و اکنون مافیا سالاری را تجربه کنند.

کروبی و برخی دیگر از اصلاح طلبان حکومتی برای مغفول گذاردن نقش خود در جنایات دوران خمینی واگویی به تاریخ را از زمان خامنه ای آغاز می کنند.

\*\*\*

اول. نقش شخصیت‌های سیاسی در تاریخ همواره مورد توجه روانشناسان سیاسی قرار گرفته و در چند و چون آن بحث شده است. حتی اگر نقش آنان را در مقایسه با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگ سیاسی چندان قابل ملاحظه ندانیم حداقل در رژیمهای دیکتاتوری و مافیایی از نقش عناصر و ویژگیهای شخصیتی آنان در تحولات سیاسی نمی توان غافل شد. کینه جویی یکی از بهترین مثالهاست. همهء فعالان سیاسی ایرانی از کینه جویی و انتقام گیری خامنه ای مطلع هستند و آن را با گوشت و پوست خود در زندانها و قتلگاهها احساس کرده اند. رفسنجانی برای تداوم چپاول امکانات عمومی و باقی ماندن در قدرت به هر قیمت آدم می کشد و از سرکوبها حمایت می کند اما در مورد خامنه ای باید کینه جویی ها و انتقام کشی را نیز افزود. ابراهیم اصغر زاده در ماههای ابتدایی حکومت خامنه ای، علی رغم نزدیکی با وی و مشهدی بودن، بخاطر به زبان آوردن عبارت طنز آلود "بن بست رهبری" به هنگام گفتگوی تلفنی (که توسط عوامل وی شنود می شد) ماهها در زندان شب را به روز و روز را به شب رساند. منتظری به خاطر چند جمله پنج سال در حبس خانگی به سر برد. نقش سگهای زنجیری مافیا در کیهان و رسالت و رادیو و تلویزیون حمله بی وقفه به همهء منتقدان حکومت مافیایی و بالاخص شخصیت بزدل و ضعیف خامنه ای است. رساندن تعداد امضاهای نامهء شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی به 350 جهت کم کردن تیرهای انتقام خامنه ای بوده است. این تعداد امضا در نامه های سیاسی که در داخل کشور نوشته می شده بی سابقه بوده است. سانسور خبری نامهء نمایندگان مجلس به خامنه ای نیز که بی سابقه بود از همین ضعف و زبونی خامنه ای در مقابل انتقاد یا حتی توصیه و تذکر حکایت داشت. از این حیث اصلاح طلبان تا سال 1382 و اوج سرکوبها و حملهء امریکا به عراق از نوشتن نامه به رهبری مافیا ابا داشتند. در پانزده سال گذشته موردی نبوده که کسی از فعالان سیاسی در خفا یا آشکار انتقادی از خامنه ای کرده باشد و به کینه جویی وی گرفتار نیامده باشد (سازگارا، شعله سعدی، آغاچری، نمایندگان مشارکتی مجلس، منتظری، قابل، اعضای دفتر تحکیم و صدها مورد دیگر). عبدالله نوری قربانی سرپیچی از دستورات بیت رهبری مافیا شد. چالپوسهای کروبی در برابر وی ریشه در همین ترس از انتقام گیری و کینه توزی دارد. خامنه ای پس از انتصاب به رهبری اولین سنگری را که هدف گرفت دستگاههای اطلاعاتی بودند. اعضای دفتر وی عموماً از نیروهای اطلاعاتی هستند. وی باید بیش از همه چیز از آنچه دیگران در مورد وی می گویند اطلاع می داشت تا مقابله به مثل کند.

دوم. در خبرها آمده است که پنج تن از دانشجویان دانشگاه ایلام که چندی پیش در نامه‌ای به رهبری مافیای سیاسی نظرات خود را در خصوص مسائل کشور بیان کرده بودند، پس از احضار به دادگاه به اتهام «توهین به مقام رهبری» به سه سال حبس محکوم شده‌اند. «سید احمد حسینی»، «رضا وفایی یگانه»، «قدرت شکری تبار»، «احسان جمشیدی» و «محمد سیاهپوش» اسامی برخی دیگر از قربانیان خشم و کینه جویی خامنه‌ای در پانزده سال اخیر است. این دانشجویان یا از کینه جویی خامنه‌ای مطلع نبوده‌اند یا پیه ورود به دوزخ مافیا- ساخته را به تن مالیده بودند. 21 سال زندان برای دانشجویان یک دانشگاه کوچک شهرستانی مثل دانشگاه ایلام در تاریخ جنبش دانشجویی ایران بی سابقه است، همان طور که شتاب گیری مافیایی شدن هر چه بیشتر ساختار حکومتی در ایران بی سابقه است. ظاهراً ایرانیان محکوم اند که همه‌ء صور زشت حکومت در دوران مدرن، از استبداد سلطانیستی تا رهبری روبرسپیری انقلاب، از حاکمیت دوگانه تا دیکتاتوری مذهبی، از گروه‌های سالی تا ربانی سالی و اکنون مافیا سالی را تجربه کنند.

سوم. خامنه‌ای اگر می‌توانست گوشت تمام منتقدان خود را می‌جوید، چنانکه تا به حال صدها تن را به مذبح ولایت برده است. از یک رهبر تریاکی که پیش از آمدن به حسینیه در پای بساط و منقل است و وی را همانند بازیگران گریم می‌کنند تا رنگ تریاک سوخته را از صورتش بزایند و وی را همانند عرفا رنگ و روغن زده و به خلاق دیندار و باور مند به " اولاد پیامبر " بفروشد کمتر از این نمی‌توان انتظار داشت.

خامنه‌ای سالی صد و هشتاد روز و شب را در باغهای خوش آب و هوای کشور که توسط گرگهای بیت با قساوت از افراد گرفته شده یا از دست نهاد های دولتی به در آمده می‌گذراند و رانت خواران بساط کباب و تریاک آقا را فراهم می‌کنند تا ولی امر مسلمین جهان دچار ضعف ناشی از مصرف مواد مخدر نشود. در مقابل تمام کسانی که انتقادی به مافیا دارند باید به سألها زندان محکوم شوند؛ یا مثل حسن احمدزاده سر از زیرزمین مسجد ابوالفضل در سه راه اکبرآباد در بیاورند و به دست اراذل و اوباش مافیا کشته شوند؛ یا با برخورد های نامناسب در بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی مواجه شوند. در این بازداشتگاه‌ها، برخی را یا از دست یا با ساعتها آویزان می‌کنند و بعضی بازداشت‌شدگان را در مکان‌های بسیار کوچک که فرد فقط می‌تواند چمباتمه بزند ساعت‌ها تکه می‌دارند یا در ابتدای ورود به بازداشتگاه از تونل وحشت عبور می‌دهند تا به قدرت مافیایی وحشت و سرکوب ایمان بیاورند. بازداشت‌شدگان به محض ورود، توسط دو ردیف از مأموران مورد ضرب و شتم با بانوم قرار می‌گیرند تا فراموش نکنند در زیر سایه ولایت زندگی می‌کنند. توهین و تحقیر و فحاشی از کارهای معمول و متداول اراذل و اوباش مافیاست. برخی از افراد وقتی برای بازجویی احضار می‌شوند در جلسه اول مدتها مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند بدون آنکه پرسش و پاسخ صورت گیرد. خامنه‌ای و باند همراهش بدون این اعمال نمی‌توانند همه‌ء منابع کشور را به خود اختصاص دهند.

چهارم. بیش از همه، این رده‌های بالایی مافیا هستند که خامنه‌ای را می‌شناسند و از ضعفها و تباہیهایش اطلاع دارند و به همین جهت بیش از همه مورد لطف رهبر مافیا قرار می‌گیرند. سران مافیا مثل لاریجانی، رفسنجانی و دیگر اعضای محفل تریاک کشی وی دو چهره‌ان: گرگ صورت و روباه صفت. آنها حاضرند در یک آن همدیگر را پاره کنند (بالایی که بر سر سعید امامی آمد) و در عین حال سألها با یکدیگر همکاری کنند. سران موثلفه در این میان جایگاه ویژه‌ای دارند چون هم رسم چاکری و نوکری را- البته به زبان - به خوبی به اجرا در می‌آورند (درست بر اساس مدل قاجاری که در کل حکومت پهلوی غبطه اش را می‌خوردند) و هم از الطاف ویژه ولایت مافیایی بر خوردارند.

پنجم. مشکل مافیای سیاسی ایران آنست که شهروندان ایرانی در داخل و خارج کشور علی‌رغم همه فشارها و سرکوبها ساکت نمی‌شوند و لال کردن آنان در ابتدای قرن بیست و یکم غیر ممکن شده است. مافیا نمی‌تواند حتی یکی از جنایاتش را پنهان کند و هر جنایتی هزاران رای از آراء گروههای پوششی مافیا را حتی در انتخابات های تحت نظارت شورای نگهبان مافیا می‌سوزاند. همچنین این مافیا نتوانسته است امید به تغییر را علی‌رغم حملات مغول وار به خواستاران تحول در جهت آزادی و دموکراسی بکشد. شاید امروز گروههایی از اصلاح طلبان درون حکومت مایوس باشند اما این یاس آنها را به سکوت نکشاند و هر گوشه‌ای که اندکی ساکت می‌شود صدایی از گوشه‌ای دیگر به گوش می‌رسد. همین امر مافیا را به جنایت و

قساوت بیشتر کشانده است. حضور اصلاح طلبان در مجلس و دولت اگر تغییری در میزان امتیازات و جنایات نهاد های انتصابی به وجود نیاورده، حد اقل آ"ها را شفاف کرده است. بر خلاف گفتهء دروغ کروی مبنی بر نبود گروههای فشار و سرکوب در آغاز دوران حکومت خامنه ای - که برخی اصلاح طلبان حکومتی از آن استقبال کرده و در صدر خبر های سایت رویداد قرار دادند - این ارادل سازمان یافته توسط نهاد های حکومتی از آغاز جمهوری اسلامی به فعالیت مشغول بوده اند. جنبش اصلاحات این گروهها و مکانیسمهای عمل آنها را به عرصهء عمومی آورد. کروی و برخی دیگر از اصلاح طلبان حکومتی برای مغفول گذاردن نقش خود در جنایات دوران خمینی واگویهء تاریخ را از زمان خامنه ای آغاز می کنند و تنها گاهگاه وفاداری خود را به آرمانهای بنیانگذار حکومت تمامیت طلبانهء جمهوری اسلامی و جامعهء بستهء متناظر با آن اعلام می کنند.